

# انترناسیونال

## ۳۲۱

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۵ آبان ۱۳۸۸، ۶ نوامبر ۲۰۰۹

اساس سوسیالیسم  
انسان است.

سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

[www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

[anternasional@yahoo.com](mailto:anternasional@yahoo.com)

## در ۱۳ آبان، انقلاب یک گام دیگر به پیش گذاشت!



## مرگ جمهوری اسلامی و بن بست کل بورژوازی



کاظم نیکخواه

صفحه ۳

میگویند دانشگاه ها باید بسته شود و به اصطلاح "انقلاب فرهنگی" دومی صورت گیرد. اعلام کرده اند در مدارس باید بطور دائم آخوندها مستقر شوند! در برابر چشم مردم مانور مقابله با اعتراضات کارگری

کوشیده ای از تن این حکومت را با نفرت میکند و دور می اندازد. مقدسات حکومت جلوی چشم سرانش دور ریخته میشود. گویی جمهوری اسلامی در پیش چشم سرانش و قبل از اینکه به زیاله دان انداخته شود، سرنگون شده است. مقدساتش برای خودبیایش شرم آور شده است. اینشلوژی و سنتنهایش جلوی چشم دست اندرکاران رده اولش به سخره گرفته میشود. نمیداند نیروی سرکوش را به کجا گسیل کند.

ستون اول

محسن ابراهیمی

## انقلاب ادامه دارد!

۱۳ آبان، این را نشان داد

در ۱۳ آبان، جمهوری اسلامی یک ضربه کارساز دیگری از جنبش انقلابی مردم خورد. در این روز، انقلابی که مدتی است آغاز شده است یک گام بلند دیگر به جلو برداشت.

۱۳ آبان روز دانش آموز است. روزی که اوباشان سلطنت و حشیانه به صفت دانش آموزان معترض در آبان ۵۷ یورش برداشت و به اعتراض انقلابی دانش آموزان به نظام فاسد سلطنتی خون پاشیدند. اما انقلابی که آن دانش آموزان مبارز جزوی از صفحه

بودند، در سال ۵۷ شکست خورد و بر روی انقلابی شکسته خورد، بر جای شاهی از تخت افتاده، خمینی به عنوان ولی فقیه جلوس کرد. ضد انقلاب سلطنتی جایش را به ضد انقلاب اسلامی داد.

ضد انقلاب اسلامی پیروز، از همان فردای شکست انقلاب، در مقابل موج عظیمی از توقعت مردمی قرار گرفت که تازه انقلاب کرده بودند. ضد انقلاب، پیروز شده بود اما برای تشبیث باشد میلیونها مردمی که علیه بیعادالتی سلطنت پیاخواسته بودند را بر سر جایشان مینشانند.

تسخیر سفارت آمریکا اولین شکرگار گردید. اکثر شهرهای بزرگ ایران مانند تهران، مشهد، شیراز و تبریز، شاهد حضور پر تعداد مردم در خیابانها بود. خیزگزاری ها همگی تعداد جمعیت تظاهر کننده در تهران را بالای یک میلیون نفر اعلام کرده اند. تمثیل شاعری مرد در این روز عمدها بر علیه خامنه ای نه به عنوان رهبر یک جناح از دولت اسلامی، بلکه اینبار به عنوان نماد کل حاکیت اول تمامی جنایات رژیم بود. نوع و میزان شعارها نشان میدهد که

## سیزده آبان

## و نگرانیهای جنبش راست



محمد رضا پویا

در صفحات دیگر  
نتیجه انتخابات سراسری کنگره هفت  
دو اعتراض کارگری  
بازتاب هفته:

- \* طرح استقرار دائمی آخوندها در مدارس
- \* استثنای جنایات استثنایی
- \* مانور برای "مهر و کنترل" اعتراضات کارگری
- \* حکم مردم، حکم تاریخ
- \* پاسدارهای دیروز، اصلاح طلبان امروز

صفحه ۸

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

صفحه ۲

میدهدند. فردای ۱۳ آبان، دلان حرفه‌ای محبت میان مردم و نظام حاکم، روز روشن چشم در چشم مردم دوختند و به نام "زنگی و سبزی"، روایت وارونه از ۱۳ آبان و شعارهایش ارائه دادند. یک نمونه: اظهارات دو قلوبی مورد علاقه صدای آمریکا؛ اولی، همان ژورنالیست دودوزه باز مشهور که تخصصش در این است که منفورترین چهره‌های نظام را جلوی چشم مردم قرار دهد تا چهره‌های مرتعج همین نظام را به نام قناری به مردم بفروشد (علیرضا نوری زاده)؛ و دومی همان کسی که مفترخ است یکی از بنیانگذاران سپاه پاسداران، یکی از آدمکشترین نیروهای نظامی تاریخ معاصر است (محسن سازگار). اگر به ویدیوهایی که خود رزمندگان انقلاب از خیابانها ارسال کرده‌اند دسترسی نداشته باشید و به تحلیلهای این حقه بازان حرفه‌ای سیاسی در صدای آمریکا گوش کنید تصور خواهید کرد که مردم شعار مرگ بر خامنه‌ای و جنایتکاران دیگر را کنار گذاشته اند. مردم "تمدن" شده‌اند و بیشتر به سمت صلح و آشتی و سازش راغب شده‌اند! خوب دقت کنید. با یک تیر دو نشان میزند. هم رادیکالیسم مردم را روز روشن انکار میکنند. وهم به عنوان متولیان مادرزاد تملک و عشق به زندگی و دوری از خشونت ظاهر می‌شوند! در باره این حقه بازی آشکار که به یکی از خصوصیات ذاتی شخصیت‌های سر به جنبش ملی - اسلامی تبدیل شده است باید در فرست مناسب بیشتر صحبت کرد اما اینجا طرح این سؤال کافی است که آیا این ساتنیاتالیسم برای کسانی مثل اسلامی را گرفته‌اند و یا مثل محسن سازگارا سخا در مقامهای کلیدی دستگاههای سرکوب و سازمانهای کشتار بوده اند زیادی نیست؟ چنین ساتنیاتالیسمی از طرف چنین کاراکترهایی زیادی شیادانه نیست؟ آیا نسلی هشیار مثل جوانانی که چندین ماه است یک دستگاه عظیم ارعاب و حقه بازی را آجمز کرده اند را میتوان با این ادعا گویی زد؟ نه. ۱۳ آبان یکبار دیگر این را اثبات کرد.

"اجراهای بدون تنازل قانون اساسی" و اصلاح قانون اساسی و "ولی فقیه" باید سلطنت کند نه حکومت "بازی دهن". این اپوزیسیون، در ۱۳ آبان چشم بر حقایق تازه‌ای از رادیکالیسم مردم گشود: اصل نظام و اصل ولایت فقیه و اصل قانون اساسی، یعنی کل نظام اسلامی باید بزرگ شود.

### ساتنیاتالیسمی شیادانه

همان مردمی که در کمپین تلویزیون کانال جدید علیه اعدامها و مشخصاً اعدام دلارا دارایی از ته دل فریاد زدن و نفرت عمیقشان علیه حکم شنیع اعدام و عشق عیقشان برای زندگی را با صدای بلند اعلام کردند، این بار خیابانها را با فریاد مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر احمدی نژاد و مرگ بر دیکتاتور، یعنی مرگ بر میرغضبهای اعدام پر کردند. برای کسی که ریگی در کشف ندارد معلوم است که مردم با شعار "مرگ بر" این جنایتکاران و این دیکتاتورها، آزویشان برای پایان توحش اسلامی و عزمشان برای

شعارها را در کنار شعار "مرگ بر" قانون اساسی جمهوری اسلامی و شعار "نه موسوی، نه احمدی، آزادی برای" قرار دهید تا معلوم شود که چرا در فردای ۱۳ آبان، همه چنان‌چهای حکومت به همراه اپوزیسیون اصلاح طلب درون و بیرونش یعنی احمدی نژاد و خامنه‌ی بیاورند!

انقلاب مردم، با این ابتکارات و دیکتاتور را به آتش کشیدند. در تهران، مردم باز هم از همزمان رفتگر خود خواستند که این دیکتاتورچه را قاطی زیاله‌ها ببرند:



پایان دادن به حکومت اسلامی را اعلام میکنند. مردم با شعارهای مرگ علیه همه اینها، عزم جزمشان برای نقطه پایان گذاشتن به ۳۰ سال فقر و خفقات و قتل و تجاوز و شکنجه و سنگسار و ارتجاج و عقب ماندگی را اعلام میکنند. مردم با این شعارها میخواهند به حکومت مرگ و اعدام پایان دهند. مردم با این شعارهای سیاسی، تجسم و تبلور و نسایده کل توحش اسلامی تیز است. اما ۱۳ آبان علاوه بر سیدیحیی صفوی، مشاور ارشد ولی فقیه بود که دو روز جلوتر در پادگان سپاه ناچیه کرج اعلام کرده بود: "ولایت فقیه گاشنین امام زمان (عج)" است و این مساله شوخی پردار نیست. انقلاب شان داد که واقعاً هم با کسی خوبخواهد هیچ منفذی برای مردم نمیخواهد هیچ منفذی برای هم با کسی خوبخواهد حتی اگر آن کس گاشنین امام زمان باشد! همچنین، انقلاب با این شعارها جایی هیچ شبه‌ای را باقی نگذارد که کل نظام اسلامی را نمیخواهد، اصلاح طلب درون و بیرون نظام داد به شعارهایشان علیه خامنه‌ای آنها که حاضرند به هر مکر و جیله اشکال و ضمون رادیکالیزی دادند. فریاد زدن: "خامنه‌ای قاتله، سیاسی متولی شدند تا مردم را در چهارچوب نظام نگه دارند؛ مردم را در چهارچوب قانون اساسی و

### انقلاب ادامه دارد!

#### شعارها را دیدیکالتر می‌شوند

"مرگ بر دیکتاتور"، یکی از شعارهای مرکزی و اصلی و توهه‌ای چنان‌چهای حکومت به همراه اپوزیسیون منفور حاکمیت اسلامی یعنی احمدی نژاد و خامنه‌ی ای را نشانه گرفتند. در مازندران، عکس احمدی نژاد، این دلک- دیکتاتور را به آتش کشیدند. در تهران، مردم باز هم از همزمان رفتگر خود خواستند که این آستانه ۱۳ آبان فضای ایران را گرفته

تاکتیکی از طرف ضد انقلاب اسلامی تازه پیروز شده علیه انقلاب ۵۷ بود که تازه شکست خورد. تاکتیکی برای به شکست کامل کشانید آن انقلاب بود. ضد انقلاب اسلامی، با تسخیر سفارت در "بهار آزادی"، مسیر سیاه زمستانی سرده را هموار کرد که نهایتاً در خداد ۶۰ بر فضای ایران به طور کامل حاکم شد. تسخیر سفارت بود به حکومت نویا امکان دهد تا توقعات بحق مردمی انقلاب کرده را در هله‌های قلابی ضد آمریکایی به زنجیر بکشد و برای همیشه مدفعون کند. این حکومت توانست این توقعات را به ضرب چماق اسلام به زنجیر بکشد اما نتوانست برای همیشه مدفعون کند. به این معنا، نام و عنوان واقعی تسخیر سفارت در ۱۳ آبان، "ضد انقلاب دوم" است نه انقلاب دوم. تسخیر سفارت، در کنار جنگ هشت ساله، از ابزارهای مهم ضد انقلاب اسلامی حاکم بود تا انقلاب تازه شکست خورده را تماماً شکست دهد.

با تسخیر سفارت، ۱۳ آبان، روز داش آموز توسط رژیم اسلامی مصادره شد. روز اعتراض علیه ارتجاج سلطنتی و اسلامی به روز رجزخوانی ضد غربی برای تشبیت ضدانقلاب اسلامی تغییر یافت. تجسم ضد انقلاب اسلامی رژه رفت. (بی سی سی و سی اند هم تمام تلاش کرده است در این روز با عربده کشی ضد غربی، ماهیجه هایش را به مردم معترض در داخل نشان دهد. امسال، ۱۳ آبان، توسط جنیش سرنگونی، از جمله دانش آموزان به نفع انقلاب مردم علیه ضد انقلاب اسلامی مجدداً مصادره شد. اگرچه رژیم هم نیروهای آدمکشش، سپاه و سپاه و پلنگی و ناجا و لباس شخصی اش را باز بگذارد. این شعارها شاید هنوز جایی برای ولایت فقیه در جسم یک مرتعن دیگر و در شکل و قالبی دیگر باز بگذارد. مردم برای این که جایی هیچ شبه‌ای را باقی نگذارد که کل نظام اسلامی را نمیخواهد، اصلاح طلب درون و بیرون نظام داد به شعارهایشان علیه خامنه‌ای آنها که سالهای است به هر مکر و جیله اشکال و ضمون رادیکالیزی دادند. فریاد زدن: "خامنه‌ای قاتله، نظامش هم باطله". فریاد زدن: "مرگ بر اصل ولایت فقیه". این

## از صفحه ۱ مرگ جمهوری اسلامی و ...

مردم در تهران شعار میدادند، میشد دید که این مردم دارند از این جماعت تا حد زیادی عبور میکنند. یکی از روزنامه های بین المللی همین را تیتر زده بود. شعارها پیشتر ضد کل حکومت بود. علیه دیکاتوری، علیه زندان و شکنجه، علیه نابرابری زن و مرد و برای آزادی و برابری شعار داده میشد. و جالب است که یکی از شعارهای قابل توجه این بود "نه احمدی نه موسوی آزادی و برابری". بهره رو گرچه شعارهای سبزها هم داده میشد اما این شعارها که اشاره کردم برجستگی پسیار پیشتری از همه تظاهراتی دیگر داشت. میدان که عده ای کوتاه نگر که هنر سیاسی شان اینست که رویدادهای امروز را بخوان حقایق سیاسی ماندگار بیان کنند و اسم این را تحلیل بگذارند، و درک و فهمی از روند آئین اوضاع و قانونمندیهای تحولات اجتماعی فردا ندارند، میدان داری امروز جناح منتقد حکومت را به یک الگوی سیاسی ارتقا میدهد و آینده بعد از جمهوری اسلامی را با روی کار آمدن جناح لیبرال یا اصلاح طلب یا نق زن حکومت تعریف میکنند. جناح اپوزیسیون درون رژیمی خود محصول سراشیب سقوط و سرنگونی جمهوری اسلامی است. محصول اوج گیری پیشتر و بیشتر جنبش سرنگونی است. وجود اینها چیزی را که بیان میکند و شان میدهد اینست که جمهوری اسلامی از درون دارد میمیرد. مقدساتش توسط خودیهایش دارد به سخره گرفته میشود. قهرمانان دیروزش یکی یک جلو می آیند و زیر نشار مردم انقلابی یا انقلاب جاری، گوش ای از تن حکومت را دور می اندازند. انقلاب فرهنگیش "تنگ شمرده میشود. کشتار کمونیستها و مجاهدین و مخالفین حکومت جنایت شمرده میشود. حجاب این سمبول و پرچم حکومت زیر سوال بوده میشود. و همانگونه که گفتم حتی اشغال سفارت و قدس و بقیه تابوهای رژیم نیز به اشکال مختلف تقبیح میشود. اما فقط با ساده نگری میشود به این نتیجه رسید که این جناح دارد مردم را به خیابان می آورد. این روزها محسن آرمین ایدنلولوگ مجاهدین انقلاب اسلامی اعتراض کرده بود که "در دوره

صحيحی نمی باشد". این یعنی مرگ بر جمهوری اسلامی و یک غلط کردم آشکار از جانب خود منتظری در پیشگاه مردم، پیش از این نیز او یعنی همین منتظری صلاحیت خامنه‌ای بعنوان ولی فقیه را رد کرده بود و گفته بود که او رساله ای نوشته و مرجع نیست وغیره. و پیشتر از آن دستغیب که از مجلس خبرگان خواسته بود که صلاحیت خامنه‌ای را برسی کند. یعنی او را کنار بگذارد. از این نمونه ها در مورد همه چیز حکومت به وفور این روزها شنیده میشود. کسی که فکر کند این خیل راندگان حاشیه حکومت، که چیزی جز زایده حکومت اسلامی نیستند، آینده ای بعد از جمهوری اسلامی برای سرکار آمدن برایشان متصرور است، بنظرم بشدت از اوضاع سیاسی ایران پرت است. اگر هم احیاناً چند صباحی به بازی گرفته شوند، آن چند صباح را هم باید جزئی از پرسه سرنگونی جمهوری اسلامی دید. مثل روی کار آمدن شریف امامی و بختیار و غیره در انقلاب ۵۷. اینها با رفتان خارج اسلامی خواهند رفت. کسی که از حکومت راسته باشد، موقعیت‌شان در خود داشته باشد، موقعيت‌شان ضعیف تر است. شخصیت سیاسی شان بعد از منتظری که نوعی مرجع و رهبریشان شده است، شیرین عبادی است که منصبی در حکومت نداشته است. پشت جبهه شان در خارج حکومت اکثریتی ها و توده ای ها هستند که بالآخر نام چپ را هم در محضر راستهای دیگر به زور با خود حمل میکنند و این افتخاری است برای بقیه که "چپ" را هم با خود دارند! سرنوشت اینها همان واقعیتی را که تاکید کردم بیش از هر چیز بیان میکند. داستان اینست که اینها پاره ای در حکومت برایشان در دادگاههای مردم در درجه ای غلیظ یا رقیق دفاع کرده باشند، جایی در آینده ایران آنهم بر سر قدرت ندارند. تلاش‌های امروزشان در مخالفت و انتقاد از جمهوری اسلامی تنها کمک میکنند که پرونده هایشان در دادگاههای مردم در درجه ای غلیظ یا رقیق دفاع کرده باشند، جایی در آینده ایران آنهم ای در حکومت برایشان وجود داشته باشد باور ندارند. روش ایست که اینها ای در حکومت را جلوی چشم میشوند. این روزها طرفداران خوبیشان هستند نه مقبول مردم واقع شوند. این روزها طرفداران موسوی از منتظری استفسار کرده بودند که شما که اشغال سفارت را اشتباہ میدانید چرا خود در آن زمان از آن حمایت کردید و او میگوید "اشغال سفارت آمریکا در بدو پیروزی انقلاب که مورد حمایت اکثر اینها بودند این حکومت بوده اند و خود به اینها تقدیر میکند. داستان اینست که اینها پاره ای تن حکومت بوده اند و خود به اینها تقدیر میکند. این حکومت از نظر مردم را ادا نکرده ایم. این حکومت از نظر مردم مدد و ایشان را با شعار مرگ بر خودشان شده است. سرنگون شده است. در پیش چشم خوبیش دارد مرگ خویش را میبیند.

با گوش و چشم خویش مخالفین سرنگونی طلب حکومت را می بینند که علیه شان شعار میدهنند اما ناچارند ادای دموکراسی در آورند. همین امروز که این مطلب را در تلاشند که چگونه در میانه مردم و حکومت از آن بند بازی کنند. و عمل اتفاقی که افتاده به دنبال مردم تا حد زیادی روانند و احمقانه امیدوارند که در لحظه آخر پایه حکومت را در دست‌هایشان را قبول ندارند. کسی از مردم نیست که خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی یعنی همانها که از نظر حکومت "محارب" و "عامل بیگانه" و "مفاسدی از الأرض" نامیده میشند و میشوند، نباشد و این را علناً نگوید. وقتی شعار استارتیک سنتی "مرگ برآمریکا" و مرگ بر اسرائیل" را کسی از نوحه خوانان رژیم سرمهده، جلوی چشم سران حکومت جوشان شده را با شعار مرگ بر روسیه و مرگ بر چین میگیرد. البته نه این یکی خوب است و نه آن یکی. اما مساله اینست که از نظر مردم شعار مرگ بر روسیه و مقابله با شعار مرگ بر آمریکا یعنی "جمهوری اسلامی خفه شو". به هر هستند که بالآخر نام چپ را هم در محضر راستهای دیگر به زور با خود حمل میکنند و این افتخاری است برای نهضت ایشان همان واقعیتی را که تاکید کردم بیش از هر چیز بیان میکند. داستان اینست که اینها پاره ای در حکومت برایشان در دادگاههای اینها تقدیر میکند. این حکومت از نظر مردم را ادا نکرده ایم. این حکومت از نظر مردم مدد و ایشان را با شعار مرگ بر خودشان شده است. سرنگون شده است. در پیش چشم خوبیش دارد مرگ خویش را میبیند.

**ایوزیسیون درون رژیمی**

شاید وقتی تا اینجا بحث را کسی میشنود جناح رانده شده حکومت یا اپوزیسیون درون رژیمی را در کنار این واقعیت و همراه با این واقعیت می بینند. اما اتفاقاً من میخواهم بگویم سرنوشت این جناح خود گویای همین سرنوشت حکومت است. اینها بودند که بین مردم آمریکا در بدو ایجاد اینجا به بحث را می افتد. یک سال و دو سال و ده سال پیش چه کسی جرات داشت مرگ بر ولی فقیه را فریاد بزند؟ اصلاحیغیر قابل تصور بود. امروز اما شعار مرگ بر خامنه ای و مرگ بر دیکتاتور شعار روز و مرسوم هر تجمعی چه در خیابان چه در داشتگاه است. دانشجویان وقتی تظاهرات میکنند شعار مرگ بر خامنه ای و مرگ بر دیکتاتور سرمهدهند. کارگران لوله سازی میکنند خوزستان وقتی راه پیمایی میکنند در راهپیمایی شان شعار مرگ بر دیکتاتور سرمهدهند. دیکتاتور سرمهده برشود و در داشتگاهها هم وقتی تظاهرات میشود همین شعارها را سرمهدهند. صفار هرنندی و احمدی نژاد و خاتمی و سروش و خیلی های دیگر است. نظامی و دنبالش هستند



محمد شکوهی

مانور برای  
مهار و کنترل "مهاجرات کارگری!"

نفس اینکه اینها در روز روشن  
دارند مانور علیه کارگران میگذارند،  
بسیار جالب و قابل توجه است.  
روشن است که ترسیده اند. برگزاری  
نمایشات این چنینی و دراین ابعاد  
خود بیانگر در هم شکستگی، بی  
افقی و سردگی حکومت، ترس و  
وحشت از انقلاب جاری مردم از یک  
طرف و از طرف دیگر قدرتمند شدن  
جنیش اعتراضی و سرنگونی خواهی  
مردم، بویژه در این چند ماهه اخیر  
است. سران ریز و درشت حکومت  
هر روزه اعترف کرده و می‌کنند که  
نظامشان درمعرض خطر جدی بوده  
و یکی از مهکل ترین این خطرات به  
مساکن امین کارگان می‌باشد.

یعنی می‌تواند در روزنامه پیش از پایان روز معرفتی که برای مهار کارگر معتبرض مانور لازم دارد، دارد فرازرسیدن مرگ خودش را اعلام میکند. یک روز اعلام میکنند آخوندها باید دائماً در مدارس مستقر شوند. روز دیگر از انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها سخن میگویند یک روز دیگر از مانور ناجا برای کنترل شورش‌های شهری در خیابانها مانور میگذارند. اما وحشت مرکشان به جای رسیده که در روز روشن به میلیونها کارگر میگویند برای کنترل اعتراضات شما مانور گذاشته این جون موجودیتمان تهدید میشود! این حکومتی است که دارد در حال مرگ دست و پا میزند و برای سرپا ماندنش تقداً می‌کند! برگزاری مانور برای تقویت آمادگی نیروهای سرکوبگر رژیم برای روپارویی با اعتراضات و مبارزات کارگران، نه فقط اعلام خطر در باره راه افتادن جنبش یقه‌آبی‌ها، در کنار اعتراضات و مبارزات گسترده مردم علیه کل حکومت روزهای مرگ و سرنگونی جاتیان اسلامی است، بلکه اعتراض آشکاری به این وحشت است. کارشناس واقعاً بیش از آنکه بشود تصور کرد از کار گذشته است.\*

## حکم م رد م، حکم تاریخ

یاشار سہنڈی

سریالی در دهه ۶۰ از سیمای جمهوری اسلامی پخش میشد که موضوع آن "قیام سریلان خراسان" بود در زمان حاکمیت "مغولان".

## استثناء یا جنایات استثنایی

محمد رضا بوس

نهاده میشود! این حکومتی است که دارد در حال مرگ دست و پا میزند و برای سرپا ماندنش تقلامی کند! برگاری مانور برای تقویت آمادگی نیروهای سرکوبگر رژیم برای رویارویی با اعتراضات و مبارزات کارگران، نه فقط اعلام خطر در باره راه افتادن جنبش یقه‌آبی‌ها، در کنار اعتراضات و مبارزات گسترده مردم علیه کل حکومت روزهای مرگ و سرنگونی جانیان اسلامی است، بلکه اعتراض اشکاری به این وحشت است. کارشان واقعاً بیش از آنکه بشود تصور کرد از کار گذشته است. \*

## حکم مردم، حکم تاریخ

### یاشار سهندی

سیالی در دهه ۶۰ از سیمای جمهوری اسلامی پخش میشد که موضوع آن "قیام سرپردازان خراسان" بود در زمان حاکمیت "مغلان". آمادگی ویژه برای مهار و کنترل اعتراضات و مبارزات کارگری در شهرهای ساری و استان مازندران را درست اجرا دارد. بلاfacسله فرماندهان نیروی انتظامی و مسئولان وزرات کشور رژیم در توضیح ضرورت برگزاری چنین مانورهایی اعلام کردند، از آنجایی اعتراضات و مبارزات کارگری گسترش یافته و نیروی انتظامی باید قابلیتها و مدیریت بحران را به خوبی اجرا نمایند، لازم است که مانورهای "ویژه‌ای" راه سازمان داد تا اوضاع در "لحظات بحرانی" از کنترل خارج شود! برای این منظور تعیاد صدها نفر از نیروهای سرکوبگر پاسدار و پسیج تحت عنوان کارگران فرضی را که در حال اعتضاب بوده و در نظر داشتند جاده ها را مسدود نموده و با نیروی انتظامی درگیر شوند، در جریان این مانورها به کار گرفتند. صحنه هایی از این مانورهای به همراه گزارشات تصویری برای چند روز در وب سایتهای حکومتی به نمایش در آمدند.

شامل میشود. اما یک اتفاق "استثنایی" در راه است. مردم رژیم اسلامی را به محاصره در آورده اند. میخواهند بیدرنگ سرنگونش کنند. رهبر مسلمین حاکم، نفسهای داغ مردمی که به سراغ رژیش آمده اند، را برگردان خود حس میکند. همانها ولی فقیه را بگیری و داشتند. همینها جمهوری اسلامی را سرنگون خواهند کرد و تمامی آن جنایات "استثنایی" دولت اسلامی را جلو چشم مردم جهان خواهند گرفت. مردم در ایران مشغول شکل دادن به یک واقعه بزرگ و پر شکوه هستند که طین آن در کل جهان احساس خواهد شد. سرنگونی جمهوری اسلامی و افشاری ظرفیت فوق تصور ماسیین جنایت اسلام، نه تنها از تکرار این فاجعه در گوشه کنار دنیا جلوگیری میکند، بلکه پرونده اسلام سیاسی را برای همیشه خواهد بست. سرنگونی جمهوری اسلامی به این "بحار خاتمه خواهد داد. \*

محمد خاتمی، در دیدار با اعضا انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران طی یک سخنرانی اعلام نمود که "جامعه دچار بحران شده است" وی میگوید برای حل این بحران باید همه به "قانون" بازگردیم. او اینرا شیوه خمینی و "خط امام" میداند. او تلاش دارد جناح مقابل را قانع کند که به "قاعدۀ بازی" باز گردد. وی میگوید که دقت در سه مقطع زندگی سیاسی خمینی برای حل "بحار" میتواند راهگشا باشد: "در ابتدای شکل گیری جمهوری اسلامی و پیش از انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) با توجه به وجود گروه های غیر دینی و بعض مارکسیست که در میان مردم وجود داشتند همواره بر این نکته تاکید داشتند که در نظام جمهوری اسلامی حتی افرادی که ضد خدا و ضد دین هم باشند، تا زمانی که دست به اسلام سیاسی را برای همیشه سلاح نبرده باشند و توطئه نکنند، اینم هستند." اما خاتمی میداند که در همین دوره مورد بستن داشتگاهها و "انقلاب

## تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشور های مختلف تماس بگیرید و راهنمائی بخواهید.

### شماره حساب ها:

#### انگلیس:

Account nr. 45477981  
Sort code: 60-24-23  
Account holder: WPI  
Branch: wood green  
Bank: Nat West

#### سوئد:

پست جیرو ۶۳۹ 60 60-3  
صاحب حساب IKK

#### آلمان:

Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

اگر از ایران ارسال میکنید:  
میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، یا با شماره تلفن ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تراه های دیگر را به شما معرفی کنیم. تقاضا میکنید در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

## به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

بخشی از زندانهای کشور تحت نظر و اختیار این سازمان بود. (بهزاد نبوی در یک مصاحبه اینرا فاش کرد) \*

سیاسی نمی زندد. مردم در شبکه اجتماعی "موسی" چسبانه نزدند و در انتظار "سوت سبز" نماندند. سیر حرکت تاکنونی مردم هم نشان میدهد که قرار نیست آنها احمدی نژاد را برکنار و تیم موسوی را بر سرنوشت خود حاکم کنند. جامعه در این مورد انچنان صراحت داشته است که مجله تایم "انقلاب ایران" را تیتر میکند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی خود بخشی از حاکمیت رژیم اسلامی است که امروز مردم هجوم مردم قرار گرفته است. جامعه "اسلام خوش خیم" اینها را در دهه شصت تجربه کرده است.

آرمن در این نشست ضمن اشاره به خیابانی شدن اعتراض ها گفت: "در دوره اصلاحات نگرانی ما این بود که اعتراضات به سطح خیابان کشیده شود و معتقد بودیم در چنین صورتی اوضاع از کنترل ما خارج می شود اما در طول این ۴ سال جامعه ما به این بلوغ رسید که سه میلیون نفر بدون سازماندهی از سوی این یا آن حزب با سکوت و آرامش تظاهرات و راهپیمایی کنند". صراحت لهجه محسن آرمن در بیان وحشت اصلاح طلبان حکومتی از قدرت خیابانی مردم، بی نظیر است. اینها تلاش نمودند "سکوت و ارامش" را به اعتراضات خیابانی مردم تحمیل کنند اما توانستند، به مردم کفتند تظاهراتی پی در پی و شعارهای زبانسوز مردم را نمیشد در خواسته "اجرای قانون اساسی". اما این هنوز بخشی از پروژه جنبش سبز برای تقابل با جنبش انقلابی مردم است.

بروید، مردم نزفند بر اعتراضات کردند. تلاش نمودند بر اعتراضات مردم مهر نمادهای اسلامی بکویند، مردم فاصله گرفتند. مردم به آن "بلوغ" رسیده اند که دیگر اجازه ندهند جنبش اسلامی بر اعتراضات بر حقشان سور شوند. این تصویر واقعی جامعه ایران است. انعکاس قدرت فریاد میلیونی مردمی که جمهوری اسلامی نمی خواهند را میتوان در بیانیه های میرحسین موسوی دید که مدداما از "سنگونی طلبان" این عرصه است. از سر به مهری نیست اما به زیان آدمی یعنی ما سازماندهی مردم را بر حذف میدارد. اما این "شیع" سنگونی طلبی دیگر کل جامعه را در دید خود گرفته است. امروز البته دیگر آنچیزی که نیست، سکوت است.

این را هم در انتها یادآوری کنیم که اینها پایه گذاران سپاه پاسداران و سازماندهنگان ضد هزار اعدام هستند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در سالهای اول پس از قیام بازوی نظامی رژیم بود. در آن سالها

جنگ آیت الله ها و پسر حاجی های جناح مقابل، در لایانی اخبار حضور میلیونی مردم گم شد. خیزش انقلابی برسرعت روش نمود که مردم به کمتر از سنگونی رژیم اسلامی رضایت نخواهند داد. خامنه ای و احمدی نژاد در پاسخ به این خواست عمومی، سپاه پاسداران و کوهزک و تجاوز را مقابل مردم گرفتند و همراهان موسوی و کروبی در جنبش سبز، قالب زنگ زده "اصلاحات" از بالا را به مردم نشان دادند. محسن آرمین امیدوار است که "عقلانی قوم" در جناح راست افسار احمدی نژاد را بکشند، نگرانی بزرگ او از جنبش مردمی است که می خواهد که مردم را نشان میدهد که خود آقا واقعیت را نشان میدهد که خود آقا به ناتوانی و درمانگی اش اعتراض میکند. هرچه که خان بگوید همان حکم است؟! ایجاد حکم است، اما هر حکم خان اکنون را دیدگار پراکندگی؟! ایجاد میکند، عنم مردم برای سرنگونی را دیده است، می خواهد و این مردم هستند که حکم میدهند و این حکم تاریخ است. نه نماز شب و نه نماز آیات، نه دیدار هفتگی در چاه معنای آمادگی جامعه برای پذیرش شعارهای رادیکال و ساختار شکن تلقی کرد. (همان منبع). او مردم را از سرنگونی بر حذر میدارد و نسخه دیگری برایشان می پیچد: "آخر قانون اساسی". اما این هنوز بخشی از پروژه جنبش برای تقابل با جنبش انقلابی مردم است.

ظاهراتی پی در پی و شعارهای زبانسوز مردم را نمیشد در خواسته "اجرای قانون اساسی" و محسن آرمین برای جلال "اجرایی" تر با رادیکالیزم نهفته در جامعه، طرح ایده شبکه اجتماعی از سوی میرحسین موسوی را طایی میداند. وی میگوید: "طرح ایده شبکه اجتماعی اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران حضور یافت و با صراحت بن بت های لاعلاج سیاسی جنبش سبز اصلاح طلبان دولتی را آنالیز نمود و در واقع به آن اعتراض نمود. اعتراف او به اینکه "جناح حاکم در پی یک دست کردن حاکمیت و حذف اصلاح طلبان دولتی است". امروز شواهد و証ائق دلایل قاطع کننده ای داریم که ثابت می کند جرجیان حاکم انتخابات را فرستی می دید تا بتواند در عرصه رقابت سیاسی نیز یکپارچگی و تک صدایی را حاکم کند." (سایت امروز شده توهمی بیش نیست. میرحسین موسوی در همین بیانیه مورد اشاره میباشد) اما حضور مردم در خیابانها کل صورت مسئله جنگ جناحها را عوض نمود و نقشه های مردم در این شبکه ها چه باید بکنند، سکوت میکنند. مردم در هیچ کجا دنیا دست به انتحرار

## بازتاب هفته

شهری به نام "باشتین" به تصویر کشیده شده بود که قاضی القضاطی داشت، و ایشان قضایت را امر ساده زند، زندان کردند، کشند و به هر عمل جنایتکارانه ای دیگری دست زندن، این مردم ساکت نشدند. ساکت نمیشوند. اکنون زمان آن است که ایشان شب با آرامش سر بر بالین نگذارند، نامنی و احساس ترس تا اعماق پستوی "بیت معظم شان" در جناح راست افسار احمدی نژاد رسوخ کرده است. این نمایش یا اعتراض واقعی هر چه که بود این واقعیت را نشان میدهد که خود آقا به ناتوانی و درمانگی اش اعتراض میکند. هرچه که خان بگوید همان حکم است؟! ایجاد حکم است، اما هر حکم خان اکنون بر ضد خودش عمل میکند و این مردم هستند که حکم میدهند و این حکم تاریخ است. نه نماز شب و نه نماز آیات، نه دیدار هفتگی در چاه جمکران و نه پوتین در مسکو، نه اویاما در واشنگتن و نه هیچکس دیگر نمی تواند نه آقا را نجات دهد نه نظام الله ای را.\*

**پاسداران دیروز، سبزهای امروز**

**محمد رضا پویا**

محسن آرمین "ایشلولوگ" و سخنگوی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، به مناسب سال جدید تحصیلی در جلسه شورای عمومی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران حضور ایافت و با صراحت بن بت های لاعلاج سیاسی جنبش سبز اصلاح طلبان دولتی را آنالیز نمود و در واقع به آن اعتراض نمود. اعتراف او به میگویند این نمایشی بوده. برخی میگویند این اعتراض واقعی بوده است. در هر دو صورت فرقی نمیکند، مهم این است که عرصه چنان بر ایشان تنگ شده است که اعتراض در "محضر آتا" هم به نمایش گذاشته میشود. این نشان از سنبه پر زور اعتراضات مردم دارد که در حکم خان چند و چون میکنند. عنان کار چنان از دستشان در میرود که در محضر آقا به آقا جسارت میکنند و یا خود آقا وادر شده است که نمایش از این دست در محضرش برای ادامه جنگ قدرت پس از انتخابات را، بکناری زد. اخبار

انقلابی مردم یک فاکتور مهم بوده است. حزبی که اساساً برای سازماندهی و رهبری انقلاب تشکیل شده و به پیروزی رساندن انقلاب مردم را امر خود میداند. بنابراین اهمیت و جایگاه این کنگره ویژه که در چنین اوضاع خطیری دارد برگزار میشود.

همانطور که اشاره کردم، واقعیت اینست که این حزب در اینکه اوضاع سیاسی جامعه به اینجا برسد نقش اساسی داشته است. این حزب بوده است که همواره بر روی انقلاب و اینکه بی دردترين راه و سریعترین راه برای خلاصی از شر این رژیم، انقلاب است، کوییده است. این حزب است که همواره افق و استراتژی روشی در مقابل مردم قرار داده و از همان آغاز بر اینکه کلیت جمهوری اسلامی باید برود و اینکه این رژیم جنایت خوب و بد ندارد و این حکومت اصلاح پذیر نیست، تاکید کرده است. این حزب ابتدا که این روزها از این حزب



شہلا دانشفر

**انقره یا سیوونال:** اهمیت و جایگاه این کنگره به نظر شما چست و اعضا و کادرهای حزب در داخل ایران چگونه میتوانند در این کنگره نقش ایفا کنند؟

**شهلا اشتفو:** اوضاع سیاسی خطر است، بیش از ۵ ماه است که شاهد یک خیزش انقلابی پرشور در سطح جامعه هستیم. دو روز پیش آیین ۱۳ آبان که روزی دیگر از همین روزهای مهم اعتراض مردم بود، را پشت سر گذاشتیم. روحیه اعتراضی بالای مردم و شعارهای رادیکال آنها در این روز به روشنی نشان داد که داریم وارد فاز دیگری از مبارزات اعتراضی مردم میشویم. فازی که مردم با شعار نه موسوی، نه احمدی، آزادی برآبری، بار دیگر و به روشنی کلیت این رژیم را به چالش کشیدند و خواست خود را برای جامعه‌ای آزاد و انسانی فریاد زدند. فازی دیگر از مبارزات مردم که اعتراضات به عمق جامعه رفته است و با موج جدیدی از اعتراضات کارگری روبروییم. شرایط جدیدی که رژیم برای مقابله با آن دیوانه وار مانور نظامی برای مقابله با تجمعات فرضی کارگری را به اجرا میگذارد و هر چه بیشتر از این مانور ها میگذارد، بیشتر ضعف و ناتوانی اش را به نمایش میگذارد. در چنین شرایطی است که داریم به استقبال برگزاری کنگره حزب میریویم. حزبی که خود در شکل گیری جنبش

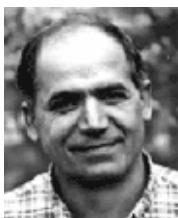
اتوریته سیاسی است که در طول  
سالیان در حزب کسب میکند و یا  
بهتر است بگویم برآجه ای که این  
اتوریته را کسب میکند در کنگره هم  
صاحب این اتوریته خواهد بود.

اما شرایطی که ما در آن قرار داریم ویژه است. تنها بخش کوچکی از اعضای حزب یعنی اعضاشی که در خارج کشور زندگی می‌کنند عملای امکان فرستادن نمایندگان خود به کنگره را دارند. اعضای مقیم ایران بدلیل محدودیت های امنیتی و فقدان امکانات مالی و ویزا و پاسپورت برای سفر به خارج کشور، عملای از حضور در کنگره محرومند. در تیجه‌هذا زمانی که کنگره های حزب در خارج کشور برگزار می‌شود، نقش اعضای حزب که در ایران فعالیت می‌کنند در کنگره حزب

اساساً سیاسی است، اما میتواند به کنگره پیشنهادات خود را ارائه دهدن، قرار و قطعنامه‌ای اگر داشته باشند در اختیار کنگره بگذارند، پیام بدنهند و در عین حال این حق برای آنها وجود دارد که خود را کاندید کمیته مرکزی حزب کنند.  
اما از این فاکتورها که به گذیریم کنگره‌های حزب کمونیست کارگری در عین حال محل جمع شدن دو شبانه روز صدها کادر و عضو حزب است که بدنبال یک دوره فعالیت سیاسی و با یک دنیا آمید به تغییر و زیر و رو کردن این دنیا وارونه و غیرانسانی، از اقصا نقاط دنیا جمع میشوند، با یکدیگر از نزدیک آشناشی پیدا میکنند و مثل اعضای یک خانواده دوست میشوند و پیوندهای خود را محکم میکنند. چیزی که برای تداوم یک مبارزه متعدد و فشرده در مقابل یک حکومت به غایت وحشی و جنایتکار و برای یک جامعه انسانی حیاتی است. دو روز بحث و تصمیم گیری درمورد مسائل مختلف همراه با دو روز با هم بودن و شادی و تفسیح و گاها جشن و رقص و

پاکوبی فضای مسرت بخشی ایجاد میکند. کنگره های حزب کمونیست کارگری علمنی است و فراخوان من به همه کسانی که به سرنوشت این حزب علاقمند هستند و همه کسانی که واقعاً کنگروند از نزدیک با این حزب و رهبران و کادرها یش آشنا شوند این است که به این کنگره بیانید و دو روز در کنار ما باشند. کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری کنگره خوبی است که در دل یک انقلاب تشکیل میشود تا برای ایقای نقش موثر در سرنوشت

## ۷ در باره کنگره سوالاتی از اعضای دفتر سیاسی حزب



صغر کریمی

**انtronاسیونال:** نقش کنگره در حزب  
کمونیست کارگری چیست؟ چگونه  
تشکیل میشود؟ در مورد چه  
مسائلی تصمیم میگیرد؟ نقش  
اعضای حزب در آن چیست؟

**اصغر کریمی:** طبق اصول سازمانی حزب "کنگره عالی تربیت ارگان رهبری حزب است که هر دو سال یکبار تشکیل میشود." برنامه و اساسنامه و موازین اصلی سازمانی در کنگره تصویب میشود و اگر قبلاً تصویب شده باشد در صورت لزوم تغییر داده میشود، یا بندهایی به آن اضافه میشود یا بندهای اصلاح میشود. جهت گیری حزب برای دو سال آتی نیز بصورت قطعنامه ها و قرارهایی تصویب میشود. و بالآخر کمیته مرکزی که حزب را در فاصله دو کنگره هدایت میکند در کنگره انتخاب میشود. این تمام کار کنگره است.

اما کنگره از نمایندگان سازمانهای حزبی تشکیل میشود که با رای مستقیم اعضای این سازمانها انتخاب شده اند. نمایندگان مستقیم اعضای حزب در کنگره جمع میشوند تا سیاست گذاری کنند و کمیته مرکزی را انتخاب کنند. به عبارتی کنگره ظرف و امکانی برای ایفاده نقش اعضای حزب از طریق نمایندگان آنها است. این هم از نظر حقوقی مهم است و هم از نظر سبک کاری و سیاسی.

از نظر حقوقی در حزب کمونیست کارگری، کلیه کمیته ها در سلسله مراتب ستونی حزب و از جمله کمیته مرکزی که بالاترین کمیته رهبری حزب است، توسط اعضای انتخاب میشوند. کافی است احزاب مختلف اپوزیسیون ایران را از این نقطه نظر با یکدیگر مقایسه کنیم تا صرفنظر از تفاوت های عمیق در اهداف و سیاست ها، از نظر جایگاه و نقش و حقوق اعضای حزب خود نیز تفاوت بنیادی حزب ما با احزاب راست و ناسیونالیست و "لیبرال" و غیره روشن شود. برخی احزاب رهبر و رئیس جمهور مدام العمر و انتصابی دارند عیناً شیوه و لایت قیمه و برخی شاهی دارند که ارشی است که از پدر نر به پسر نر میرسد و برخی دیگر نیز صرفنظر از هراساستنامه ای که داشته باشند، که تردید دارم بعضی

از صفحه ۶

## در باره کنگره ۷

اعضا و کادرهای حزب، همه انسانهای آزادبخواه را فرا میخوانم که در فاصله کوتاهی که به کنگره مانده است، با پیامهای پرشورشان، همراهی خود را با این کنگره و مصوبات و تصمیماتش برای بهتر بسیار متمایز از موقعیت حزب در گذشته و پیروزی رساندن انقلابمان اعلام کنند. اکنون میخواهم بگویم که مردم به همین اعتبار این کنگره به همه شما مربوط است و با پیامهای پرشورشان ما را در این کنگره کنند.

دستان بصورت جمعی پیام بفرستید. بصورت جمع هایی از کارگران و مراکز مختلف جامعه و از میان جوانان و انسانهای آزادبخواه پیام دهید. این کنگره حزب شماست. کنگره انتقال است و باید به تدارکش برویم.\*



محمد آسنگران

**انتربنیوanal:** ویژگیهای سیاسی  
مقطعی که کنگره ۷ در آن برگزار میشود چیست؟ تفاوت این مقطعیا  
سیاسی به بحث روز تبدیل شود و  
جنبش سوسیالیستی بتواند نقش  
تاریخی خود را در آن ایفا کند. امروز  
ما به این موقعیت رسیده ایم که  
جامعه با یک خیزش انقلابی و زبرو  
رو کننده مواجہ شده است. اینکه  
سرنوشت این جنبش انقلابی به کجا  
ختم میشود اساساً به این گه خورده  
است که طبقات اصلی جامعه، یعنی  
کارگر و سرمایه دار و نمایندگان  
موضوع داغ جامعه است. بالطبع  
وظایف این کنگره برای جوابگویی به  
مسایل پیش روی جنبشها انقلابی

ایران در شکل داده به این اوضاع  
و بیویه جنبش سوسیالیستی بسیار  
کنکرت تر از قبل است. این موقعیت  
تازه و منحصر به فرد است. جایگاه  
این کنگره و موضوعات مورد بحث  
در این کنگره هم ویژگیهای این دوران  
را بر خود دارد. از این لحاظ کنگره  
کارگران و در دل جامعه تلاش  
میکند. دوستانی که همواره  
مباحث و نقطه نظرات خود را بیویه  
در شرایط سازماندهی حزبی قدرتمند  
کنند. این کنگره ای برگزار میشود.  
امروز حزب کمونیست کارگری ایران،  
یک حزب جدی و مطرح و شناخته  
شده در ایران است. حزب با جامعه  
ایران و مبارزات مردم برای سرنگونی  
این حکومت پیوند خورده و در  
حقیقت حزب و جامعه به طور  
برجسته ای با هم چفت شده اند.  
مهمی ایفا کرده اند. من به سهم  
اکنون نمیتوان سرنوشت حزب را از  
میزدیم و یا چند سال قبل، اگر ما  
تنها راه سرنگونی انقلابی حکومت

این دو در هم تنیده شده اند. شکست و پیروزی مردم شکست و پیروزی ما هم هست. بطرر واقعی و ابژکتیو عکس این معادله هم صادق است.

موقعیت و جایگاهی که حزب در جامعه پیدا کرده است، امروزه بسیار متمایز از موقعیت حزب در گذشته و حتی نسبت به کنگره قبلی است. امروز حزب باید مستمر به عنوان یک جریان دخیل در مبارزات جاری نقشه

در مباحث کنگره فعالانه دخالت کنند. همراهی کنید. در همین راستا انتظار میرود که اعضاء و کادرهای حزب در داخل ایران، نقش مهمی در کنگره ۷ حزب ایفا کنند و در شرایطی که بدليل امنیتی امکان حضور مستقیم خیلی از این عزیزان در چنین کنگره مهمی وجود ندارد، و براستی جای خالیشان برای همه ما محسوس است، با پیامهای گرم خود و با اظهار نظرها و قطعنامه های پرشورشان در راستای جلو بردن جنبش انقلابی مردم، این جای خالی را بر کنند و وزن سنجین سازمان حزب در داخل ایران را در این کنگره نمایندگی کنند. همچنین همانطور که حمید تقواوی لیدر حزب کمونیست کارگری ایران در گفتگوی خود در دو شماره قبل انتربنیوanal در رابطه با کنگره ۷ اعلام کردند، یک بحث مهم کنگره تبیین سیاست سازماندهی حزب بر مبنای مصوبات این انقلابی است. این بحثی است که بیش از بیش دغدغه اعضاء و کادرهای حزب در داخل ایران بوده است. زیرا اعضاء و کادرهای حزب که هم اکنون در صف این حزب در داخل ایران فعالیت میکنند، انسانهای کمونیستی هستند که در دل اوضاع سیاسی و تحولات اجتماعی، موضع داغ جامعه است. بالطبع وظایف این کنگره برای جوابگویی به قرار دارند. دوستانی هستند که در این روزهای انقلاب جانبازی کردن، دستگیر شدن، شکنجه شدن، و به اعتراض و مبارزه شان ادامه دادند و برای ساختن حزیشان در میان کارگران و در دل جامعه تلاش میکنند. دوستانی که همواره مباحث و نقطه نظرات خود را بیویه در زمینه سازماندهی حزبی قدرتمند به ما انتقال داده و تلاش کرده اند که کمبودها و نارسایی های کار را نشان دهند و در واقع با این کار خود عملاً در تدقیق سیاست سازماندهی حزب و صفات انقلاب در ایران که یک بحث مهم کنگره است، تا همینجا نیست که میگذارد.

اما اجازه بدهید به قسمت دوم سوال شما در مورد نقش و وظایف اعضاء و کادرهای حزب در داخل ایران اشاره کنم. من سعی کردم جایگاه و اهمیت کنگره هفت را توضیح دهم. با توجه به همه تاکیداتی که داشتم، به نظر من این کنگره، موضوعی نیست که فقط به این حزب و به اعضایش مربوط باشد، بلکه بخارطه خطیر بودن شرایط به کل جامعه مربوط

میشد. از سازگارا تعبادی و گنجی و... از احزاب راست اپوزیسیون اسلامی و ناسیونالیستی همه آنها که انقلاب را متزلف با خشونت دانسته و مردم را از انقلاب برخنر میداشتند اکنون با این پدیده موجه شده اند و تلاش میکنند رنگ خود را به آن بزنند.

در میان جریانات چپ هم قضیه به نوع دیگری همین است. چون انقلاب مردم در جریان است و هنوز پیروز شده است بجز حزب کمونیست کارگری هیچگذاش از جریانات چپ این جنبش را انقلابی علیه جمهوری اسلامی نمیداند. اما شک نداشته باشید همین جریانات بینایی هم بعد از مدتی و در ادامه قدمهای پیروز مندانه این جنبش ناچار خواهد شد با فرمولبندیهای خود راضی کن خود را از این سرگردانی نجات دهد. اکنون ما در یک نقطه عطف جدی سیاسی و تاریخی در ایران قرار گرفته ایم. جامعه در حال جوشش است. جمهوری اسلامی دچار سختترین و عمیقترین بحران دوران حیات خود شده است. مردم برای به زیر کشیدن این حکومت به خیابان آمده اند. جنبشها سیاسی و طبقات مختلف و احزاب آنها در مقابل هم صفت آرایی کرده اند. کنگره حزب میتواند و باید تلاش کند که بخشی از این نقطه عطف باشد و برای به سرانجام رساندن و پیروزی انسانیت بر جهل و نابرابری نقش تاریخی خود را ایفا کند. مردم پرچم عدالتخواهی و برابرطلبی بلند کرده و به پیش میروند. ما این انقلاب عظیم علیه حکومت اسلامی را دیده و از آن استقبال کرده ایم. ما برای ساختن انقلاب سالها است که تلاش میکنیم و به این معنا مردم و حزب کمونیست کارگری در اوج دوران بشاشیت و سرجالی خود بسر میبرند. زیرا زیوئی دشمن و قدرت خود را تجربه کرده و به پیروزی در این راه از همیشه امیدوار ترند. کنگره قرار است به این اوضاع دقیق شده و موانع مشکلات را بررسی کرده و راههای به پیروزی رساندن این جنبش میلیونی را در مقابل مردم ایران قرار دهد. به این اعتبار این کنگره تنها کنگره یک حزب کمونیستی، کارگری نیست. این کنگره، کنگره انتقال و کنگره همه

مستقیم آن با مردم، حزب توائسته است و سیعاً به درون جامعه برود و در این دوره با بیشترین روای آوری روپرورد بوده است. همه این اتفاقات که بسرعت نیز به جلو میروند به این کنگره ویژگی و اهمیت خاصی میدهد و در چنین شرایطی است که دارد کنگره حزب تشکیل میشود.

از همین رو از نظر من کنگره ۷ حزب یک کنگره روتین مثل دیگر کنگره های این حزب نیست. این کنگره، کنگره انقلاب است و باید به مسائل انتقالی که در کرانش قرار داریم و به وظایف فوری حزب در قبال این اوضاع خلیلی که علیه انتقال است که در چنین کنگره میشوند و در

دهد. این کنگره عالیاترین مرجع حزبیست که در چنین شرایط حساسی، نمایندگان منتخب اعضاش، در آن جم میشوند و در مورد گامهای فوری برای به پیروزی رساندن این انقلاب و بست گرفتن قدرت سیاسی و ساختن جامعه ای آزاد و انسانی بحث و تصمیم گیری میکند. بنابراین کنگره ای که در چنین شرایط سیاسی خطیری و در دل یک انقلاب جاری زنده برگزار میشود و تصمیمات تاریخی و مهمی را در دستور دارد، کنگره مهمی است.

علاوه قطعنامه ها و مصوبات این حزب و بطیق اولی مصوبات کنگره آن، فقط برای اظهار موضع نیست، بلکه اعلام عزم جم این حزب است. برای اینستکه حول آنها نیرو جا به جا کند، سازمان ایجاد کند و انقلابی را رهبری کند. به این معنی نیز تشکیل این کنگره با مصوبات و تصمیمات، خود یک اتفاق سیاسی مهم است.

بدون شک از درون چنین کنگره ای حزب قویتر، قدرتمندتر بیرون آمده و همه اینها بنویه خود بر سیر سیاسی اوضاع و تحولات جامعه ای کاری نقش تعیین کننده ای میگذارد.

اما اجازه بدهید به قسمت دوم سوال شما در مورد نقش و وظایف اعضاء و کادرهای حزب در داخل ایران اشاره کنم. من سعی کردم جایگاه و اهمیت

کنگره هفت را توضیح دهم. با توجه به همه تاکیداتی که داشتم، به نظر من این کنگره، موضوعی نیست که فقط به این حزب و به اعضایش مربوط باشد، بلکه بخارطه خطیر بودن شرایط به کل جامعه مربوط

جييانات سياسى را بشناسند تا بتوانند در مورد تزديك شن و يا دور شدن از آنها بدرستي تصميم بگيرند. أما وقتی سازمانی اساساً مخفی است و معلوم نیست رهبریش طی چه پرسه ای رهبری شده، چگونه افراد انتخاب یا انتصاب شده اند و چگونه سياستها تصويب و احرا ميشوند، بخش مهمی از هویت و ويژگیهای اساسی اين سازمان از چشم مردم مخفی میمانند. اميدوارم اين توضیح جنبه هایی از مساله علنيت کنگره حزب را توضیح داده باشد. بویژه در شرایط پرتحول کنونی در ايران، این مهم است که همه کسانی که خودرا متعلق به چپ و طبقه میشود، والی آخر. همه اينها نه فقط به مردم آموزش ميدهد و کمک میکند که شخصитеای يك حزب و سنتها و سياستهای يك جنبش و حزب را در موقعیتهای مختلف بشناسند، بلکه در عین حال به سلامت فضای سياسي آن سازمان تا حد زیادی کمک میکند، جلوی توطنه گريهای احتمالي را تا حد زیادی میگیرد. بطور کلی مردم باید

هویتی تبدیل شده است که جلسات و تصمیم گيرها و حتی بحثهای ساده شان را بدور از چشم "أغيار" یعنی مردمی که با جريان مربوطه نیستند انجام دهند. حتی مطرح میشود که علنی بودن یعنی لیبرال بودن، یعنی شل شدن بندهای تشکیلاتی، یعنی از دست دادن رزمندگی و چزهای ازین قبیل که بطرف خود مردم باشد؟ مگر مشکلی دارند که خودرا از چشم از دست دادن رزمندگی و چزهای ازین قاعدها باید توضیح دهند که چه مردم مخفی میکند. مگر قرار نیست امرشان امر مردم باشد؟ مگر قرار نیست این روندی امکان پذیر در تشکیلاتهای داخل ایران در اینند و عقب میروند، چگونه سیاستی آئند و بعدها از این مردم به آنها بیرونند؟ پس چرا خودرا از چشم همان مردم مخفی میکند؟ معمولاً بهانه و علت مخفی شدن و یا غير علنی بودن کنگره های حزب در واقع جزئی از سبک کار این جريان در که میتواند علیق قابل قبول برای علنيت باشد. اما برای اکثر جريانات سیاسی فشار دستگاه های سرکوب و جاسوسی گویی به يك توافق اجباری تبدیل شده است که عیوب خودرا از انظار پنهان کنند! برای اينها اين به نحوی به خصوصیت طرح شود که چرا مخفی، منظوم راينست که قاعدها جرياناتی که ادعای سیاسی بودن و اجتماعی بودن میکنند و بنا به تعریف يك بنگاه خصوصی نیستند، اما در عین حال تمام فعل و افعالات اصلی و تصمیم گیرهايشان را در پشت درهای بسته بگیرند. اکنون نه فقط کنگره های حزب علنی برگزار میشود بلکه بسیاری از کنفرانسها و جلسات سیاسی تشکیلاتهای حزب علنی هستند. طبعاً این روندی امکان پذیر در تشكيلاتهای داخل ایران در اينست که تصمیمات و بحثهای حزب حقیقتی المقدور در پیش چشم مردم است و ورود برای عموم آزاد است. حزب کمونیست کارگری از سال ۲۰۰۰ که کنگره سوم حزب برگزار شد، به ابتکار و پیشنهاد منصور حکمت و تصویب رهبری حزب، کنگره های خودرا همیشه علنی برگزار کرده است و به همه مردم و شخصیتها و جريانات سیاسی مختلف فراخوان داده است که در انسانهای اميدوار و دخیل در مبارزه برای رسیدن به پیروزی انسانیت است. اين کنگره پروژه سیاسی کمونیستهای کارگری و پرجم پیروزی کارگر و انسانیت مدن در جريان یك تحول سیاسی جدی در جامعه است.\*

**سؤال از کاظم نیکخواه**

**انتقادیوال:** کنگره حزب علنی برگزار میشود؟ در مورد سنت علني بودن کنگره حزب توضیح دهید؟ چرا علني؟ علني بودن کنگره از لحظه سیاسی و عملی چه جایگاهی دارد؟

**کاظم نیکخواه:** کنگره حزب علنی است و ورود برای عموم آزاد است. حزب کمونیست کارگری از سال ۲۰۰۰ که کنگره سوم حزب برگزار شد، به ابتکار و پیشنهاد منصور حکمت و تصویب رهبری حزب، کنگره های خودرا همیشه علنی برگزار کرده است و به همه مردم و شخصیتها و جريانات سیاسی مختلف فراخوان داده است که در

## در باره کنگره ۷

از صفحه ۷

## کمک مالی به کanal جدید

کمک مالی در جلسه و نکور ۱۴۰ دلار
به ياد زهرا کاظمي ۱۰۰ دلار
فروغ ارغوان ۷۵ دلار
بهزاد و نکور ۶۰ دلار
جمشید هادیان ۵۰ دلار
رضا پایدار ۵۰ دلار
روزبه اسماعیلی ۳۰ یورو

**يك دنياي بهتر**  
برنامه حزب را بخوانيد  
و در سطح وسیع توزیع کنید

شنل طلبکار و مدرنی را بمیدان آورده است که نمادهای اسلامی را هدف قرار داده است. به بی حقوقی سیاسی کردن نمی کنارده، همه چیز می خواهد، همین الان می خواهد و خویش را هم می خواهد. این شرایط زمینه را برای رشد و عروج چپ آماده می سازد. طیف راست بخوبی دریافته است که سرکوب رژیم اسلامی نمی تواند این نسل و جنبش آزادیخواهی مردم را شکست دهد و لذا خود را برای یک تقابل جنسی با این نسل آماده می سازد.\*

کشیده نشود. راست پرو غرب در شرایط کنونی که جامعه به دوران انقلابی پا گذاشته است، تلاش میکند روزه خود را به سیاست اصلاح طلبان حکومتی متصل نگه دارد. این بین معنا است که جنبش های اصلی جامعه بر سر سرنگونی رژیم اسلامی در مقابل هم قرار گرفته اند: سرنگونی انقلابی رژیم با هژمونی حزب کمونیست کارگری و همقطارش در طیف راست پرو غرب میدانند که رژیم اسلامی مانندی نیست. صورت مسئله برای اینها این است که چگونه میتوان این "تغییر" را در جامعه ای از "مهندسی" نمود، بگونه ای که پای مردم به "معركه" سیاست

حسن این آقایان این است که اگر

خودشان هر عقیده ای دارند که آنرا به صراحت بیان میکنند اما با مردم تعامل دارند. این چهره ها گاهی دو قدم عقبتر راه میروند. به نظر من این درستترین مسیری است که جنبش دارد طی میکند. همه گرایشات مختلف، همه مواضع مختلف، گروه های اجتماعی کنار همیگر الان حول یک خواست واحد، یا بین کشیدن دیکتاتور متحد دارند حرکت میکنند برای استقرار دموکراسی و آزادی در ایران. یکی میگوید قانون اساسی را قبول دارم، یکی میگوید میشود برخلاف میل جنبش خود به حکم مجری برنامه گردند یکدیگر: "صد در صد. مردم دارند آقای اینکه در واقع صندوق رای بین مردم و حکومت حاکم بشود" (محسن سازگار، تفسیر خبر ۱۳ آبان ۸۸).

است. علیرضا نوریزاده ناچار میشود بر خلاف میل جنبش خود به حکم مجری برنامه گردند یکدیگر: "صد در صد. مردم دارند آقای اینکه در واقع صندوق رای بین مردم و حکومت حاکم بشود" (محسن سازگار، تفسیر خبر ۱۳ آبان ۸۸). میشوند می خواهند." (علیرضا نوریزاده، موسوی) بارها گفته اند که آنها در پی مردمند نه مردم در پی آنها. مردم امروز نشان دادند که خواسته هایشان فراتر رفته است. مردم امروز نشان دادند که فراتر از جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیش نه یک کلمه می خواهند. (علیرضا نوریزاده، تفسیر خبر ۱۳ آبان ۸۸)

همین تصویر کنونی سیاسی جامعه که هنوز ناکفته های سیاسی دارد و هنوز به اصطلاح به اعماق نرفته است، جريانات راست را ترسانده است. علیرضا نوریزاده و محسن سازگار که دلالی مابین اصلاح طلبان حکومتی و راست در ایوزسیون را بر عهده گرفته اند، (الآن مشغول جوش دادن معامله دولت سبز ملی و جمهوری ایرانی هستند) در برنامه تفسیر خبر صدای امریکا در سیزده آبان در مواجهه با شعارهای مردم ناچارند به رادیکالیزم جاری در جامعه اعتراف کنند، اما با شیادی آخوند گونه که نزد هر دو شکل زنیتیکی یافت میشود، تلاش کردن که هدف مبارزات مردم را، نه سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، بلکه دست یافتن به "صندوق رای"

## سیزده آبان و ...

رژیم اسلامی، مردم حمله مردم قرار گرفته است. در سیزده آبان مردم برای اولین بار عکسهای حامنه ای را پایین کشیدند و در خیابان بروی آن رژه رفتند. نفس این اتفاق آنهم در روزیکه رژیم اسلامی پنجاه هزار نفر از نیروهای سرکوب خود را روانه خیابان کرده بود، نشانگر آن است که توازن قوای سیاسی جامعه باز هم قدمهایی بسود مردم، تغییر کرده است.

همین تصویر کنونی سیاسی جامعه که هنوز ناکفته های سیاسی دارد و هنوز به اصطلاح به اعماق نرفته است، جريانات راست را ترسانده است. علیرضا نوریزاده و محسن سازگار که دلالی مابین اصلاح طلبان حکومتی و راست در ایوزسیون را بر عهده گرفته اند، (الآن مشغول جوش دادن معامله دولت سبز ملی و جمهوری ایرانی هستند) در برنامه تفسیر خبر صدای امریکا در سیزده آبان در مواجهه با شعارهای مردم ناچارند به رادیکالیزم جاری در جامعه اعتراف کنند، اما با شیادی آخوند گونه که نزد هر دو شکل زنیتیکی یافت میشود، تلاش کردن که هدف مبارزات مردم را، نه سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، بلکه دست یافتن به "صندوق رای"

## نتیجه انتخابات سراسری کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری ایران اسامی ۱۰۰ نماینده کنگره هفتم حزب، منتخب انتخابات سراسری ۱۰۰ نماینده دیگر از طریق انتخابات محلی انتخاب خواهند شد

### اسامی کاندیداهای سراسری و میزان آرا به درصد

%37.10	- رزگار رضائی	%61.67	- محمد شکوهی	%94.59	۱- حمید تقوائی
%36.61	- شهرلا خبارزاده	%60.44	- ناصر اصغری	%92.14	۲- مینا احدي
%36.12	- یدی کوهی	%60.20	- میترا دانشی	%88.21	۳- مصطفی صابر
%35.38	- علی مرادی	%59.46	- فریبرز پویا	%87.71	۴- مریم نمازی
%35.14	- سعید اصلی	%58.97	- فریدون فرهی	%86.98	۵- شهرلا دانشفر
%34.40	- فروغ ارغوان	%58.72	- رضا مرادی	%86.24	۶- اصغر کریمی
%34.15	- علی محسنه	%57.74	- کریم شاه محمدی	%84.03	۷- فتح بهرامی
%33.42	- فرشته مرادی	%57.25	- سیامک امجدی	%81.57	۸- محسن ابراهیمی
%33.17	- بهروز بهاری	%56.76	- منصور فرزاد	%81.57	۹- کیوان جاوید
%32.92	- بهار میلانی	%56.02	- بهمن خانی	%81.33	۱۰- کاظم نیکخواه
32.92%	- ازگور یالچین	%55.77	- رحیم بزدانپرست	%79.61	۱۱- خلیل کیوان
%32.68	- سیاوش آذری	%54.79	- الیا تاباش	%78.87	۱۲- محمد آسنگران
%32.68	- عباس ماندگار	%54.30	- بهروز مهرآبدی	%75.92	۱۳- فرشاد حسینی
%32.19	- سهیلا خسروی	%54.05	- کیان آنر	%75.68	۱۴- شیوا محبوبی
%30.96	- عباس ایاق	%52.58	- محمد امین کمانگر	%74.69	۱۵- فریده آرمان
%30.71	- نازنین صدقی	%50.61	- سمیر نوری	%74.69	۱۶- سیامک بهاری
%29.73	- گتی آفاجانی	%49.39	- حسن پناهی	%74.45	۱۷- سهیلا شریفی
%28.26	- پیام آنر	%48.89	- عباس گویا	%73.46	۱۸- سیما بهاری
%28.26	- سیامک مکی	%48.65	- غلام اکبری	%72.48	۱۹- بابک بزدی
%27.76	- مهران محبوبی	%48.65	- شمه صلواتی	%72.24	۲۰- حسن صالحی
%27.76	- کاوش مهران	%48.16	- سعید صالحی نیا	%71.99	۲۱- نازنین برومذ
%27.52	- صابر رحیمی	%46.68	- آنر پویا	%70.52	۲۲- نوید میناچی
%27.03	- سعید کلهر	%45.95	- سعید ولیبیگی	%70.02	۲۳- بهرام سروش
%26.78	- سلارا نخعی	%45.45	- مراد شیخی	%69.78	۲۴- امیر توکلی
%26.54	- شاهو پر خضرانیان	%45.21	- ایرج فرجاد	%69.53	۲۵- عبدالله اسدی
%26.29	- خبات مجید	%44.72	- سعید پرتو	%69.04	۲۶- عصام شکری
%25.55	- مریم طاهری	%42.75	- محبوبه سیاهمردی	%67.32	۲۷- مهرنوش موسوی
%24.08	- مهین درویش روحانی	%41.03	- جمیل فرزان	%66.83	۲۸- مرسدۀ قائدی
%23.83	- سوسن احمدی	%40.05	- ایمان شیر علی	%66.83	۲۹- عبدال گلپریان
%23.83	- آنر موسوی	%39.56	- محمد رضا پویا	%63.39	۳۰- جلیل جلیلی
%23.10	- بابک شیدی	%39.56	- پتی دویینیاس	%63.39	۳۱- شهناز مرتب
%22.36	- فرزانه درخشان	%39.07	- مرتضی فتح	%62.90	۳۲- یدی محمدی
		%38.33	- رویا بحرینی	%62.90	۳۳- افسانه وحدت
		%38.08	- مهین کوشان	%62.65	۳۴- مهین علپور

**کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری در دسامبر برگزار میشود.**

**کنگره حزب علنی است و ورود برای عموم آزاد است.**

**حزب کمونیست کارگری، حزب همه انسانهایی است که آزادی میخواهد،**

**برابری میخواهد، رفاه و امنیت و شادی میخواهد.**

**در کنگره حزب شرکت کنید.**



این اطلاعیه حزب همان روز ۱۳ آبان منتشر شده است و گزارشاتی را منعکس میکند که تا لحظه انتشار اطلاعیه بادست حزب رسیده است.

زدن به هر سمتی، جهت حرکت و  
شعارها را عوض میکردند گویی  
جایی دوره دیده اند. یکی از مشخصه  
های شکست مانور تو خالی تجمع  
جلوی سفارت رژیمی ها این بود  
که در پایان،  
تعدادشان یک چهارم جمعیت خیابان  
آذربایجان نشاندهند  
۱۶ آذربایجان نبود. این شاندنه  
ریزش نیرو و فرار بچه  
ها از تظاهرات نمایشی آنها بود.  
باقي شهر صحنه در گیری مردم و  
نیروهای سرکوبگر و شعار مرگ  
بریدگتاتور و زندانی سیاسی آزاد باید  
گگدد بود.

گزارشی از هفت تیر:

امروز هفت تیر بودم جمعیت زیادی بود. شعارها را دیگل بود. ما یک جمع بودیم که با هم به آنجا رفته بودیم. شعار دادیم آزادی برابری حکومت انسانی. جمعی تکرار کردند. نیروی انتظامی حمله کرد. رنگ می پاشید که شناسایی و مشخصش شوی تا بعد دستگیر کند. روی یکی از ما رنگ پاشیدن. فرار کردیم و به منزلی رفتیم. لباس را عوض کردیم و این بار همراه آن خانواده و تعدادی دیگر برگشتم و همان شعارها را دادیم باز حمله شد و فرار کردیم هر جا که میرفتیم با مردم آنچه دوباره جمعی برمیکشیم و همین شعار را میدادیم. آزادی برابری حکومت انسانی. آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه. زندانی سیاسی آزادی باید گردد و کپه این شعار داده میشد. روز اعتراض بزرگ و وسیعی بود.

طبق گزارش دیگری امروز در هفت تیر مردم شعار میدانند نه موسوی، نه احمدی، آزادی و برایبری، مرگ بر دیکتاتور و زندانی سیاسی آزاد باید کرد. شعارهای دیگر خامنه‌ای قاتله ولایتش باطله، مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر احمدی نژاد بود.

شهریار کرج:

در شهریار مردم بصورت جمعهای  
صد و دویست نفره شعار میدادند.  
جنگ و گریز بود. مردم شعار  
میدادند بهداشت و درمان را یگان  
میخواهیم. طرح یارانه احمدی را  
نمیخواهیم. مرگ بر دیکتاتور.  
زنده‌انس سیاسی آزاد باید گردد.

اهواز:

مہ با ریش و پش

## ازادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه، مرگ بر قانون اساسی جمهوری

صفحة ١٢

مردم پیاخته میخ دیگری بر تابوت جمهوری اسلامی کو بیدند

۱۰ هزار نیروی علني سرکوب به خیابانها آورده بودند و همه جا قلعه بود. اما مردم نمی ترسیدند و شعار میدانند. با بیرحمی میزند اما مردم یاد گرفتند چه بکنند و در مسیرهای مختلف پخش میشوند و آنها را فرسوده میکنند. آنها هم از رفتن به میان جمعیت میترسند. تک تیراندازی های پراکنده ای بود ولی از وحشت به شدت روی مردم داد می کشیدند و عربیده می کشیدند و فحاشی می کردند. می خواستند به هر شکلی هست به وضعیت خاتمه دهن. در تمام محلات و خیابانهای فردوسی به توبخانه، ایرانشهر، چهار راه کالج تا چهار راه ولی عصر، هفت تیر، میدان انقلاب، سمهی، نجات اللهی، قرنی، کل طلاقانی شرقی و غربی، کریمانخان، ولیعصر، فلسطین، وصال و بلوار کشاورز سراپا پر از نیروی سرکوب و گارد ویژه بود. مردم انقلابی در کوچه ها و خیابانها، بصورت پیاده و در تیمهای مختلف با انواع شعار ضد حکومتی مانند دانشجو می میرد ذلت نمی پزیرد، با کف زدنها و زنده باد آزادی، مرگ بر دیکتاتور، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، و با صدایی که شعارهای حزب الله ها را خفه میکرد به خیابان آمده بودند. راه پیمانی از سفارت آمریکا تا ولی عصر و از بلوار کشاورز و خیابان ۱۶ آذر به دانشگاه تهران ادامه داشت. سرانجام در ساعت یک و نیم تظاهرات کنندگان در این مناطق

A blurry, low-quality video frame showing a group of people gathered outdoors, possibly at a protest or rally. A large white banner is visible in the background.

متفرق شدند.

کل طالقانی شرقی و غربی،  
کریمخان، ولیعصر،  
فلسطین، وصال و بلوار کشاورز و ...  
نیروی سرکوبیگر مستقر بودند و همه  
جا مردم در گیر میشدند و آنها را هو  
میکردند. شاید ترین در گیری در  
مسیر بلوار کشاورز اتفاق افتاد و لی  
ما ندیدیم کسی آسیب جانی بینند و  
چیزی هم در این مورد نشیدیم. باور  
کنید بحدی جوانان انقلابی شور و  
شوق داشتند که گاهگاهی وسوسه  
می شدم بروم وسط و آنطوری که دلم  
می خواست شعار بدhem. مرتب  
نیروهای انتظامی را دست می  
انداختند. امروز اساساً حزب الله بود  
که الله اکبر میگفت، چون روز نمایش  
اشغال لاله جاسوسی شان بود و  
جوانان جواب درخور میدادند و شعار  
زندهای سیاسی آزاد باید گردد سر  
میدادند و آنها را هو میکردند. چقدر  
جالب بود. واقع انسان روحیه  
میگرفت و احساس قدرت  
میکرد. مردم شاکی و عاصی فریاد  
میزدند و نیروی وحشی تا دندان  
مسلح سرکوب را هیچ میگرفتند.  
جوانان آجنبان هشیار بودند که با کف

متفرق شدند.

**گزارش دیگری از تهران:**

امروز فضا سیاسی تر از تظاهرات  
های قبل بود. بسیار رادیکال تر بود.  
تظاهراتی وسیع و توده ای که زن و  
مرد، پیر و جوان همه بیرون بودند.  
ولی جوانانه تر بود. همه گونه شعار  
در دهها خیابان در مرکز تهران داده  
شد. بچه هایی که قبلاً دستگیر شده  
بودند محاط بودند، خیلی جلو نمی  
رفتند. شرکت و جسارت زنان باز هم  
چشمگیر بود. میتوانم بگویم امروز  
خیلی متفاوت نسبت به همیشه بود.  
اکثر مردم و خصوصاً دانش اموزان  
و داشجویان تحت تاثیر شعارها فرار  
می گرفتند. و ما که شعار میدادیم  
جواب میگرفتیم. مانند روز جهانی  
کارگر سالهای گذشته که کارگر  
بسیجی از شهرهای دیگر ایران  
به منظر بهره برداری می آوردند و  
در آخر به صف ما می پیوستند،  
امروز هم فضا چنین بود. نمونه  
امروز مسگر در دوران انتخابات،  
وگرنه در هیچیک از تجمعات مانند  
قسی و غیره چنین نبوده است.  
شاید بشود گفت پیش از

نفر از مردم دستگیر و صدها نفر مصدوم و مجروح شده اند. تعدادی از دستگیر شدگان بعد از ساعتی آزاد شدند و تعدادی به نقطه نامعلوم برده شدند. همبستگی مردم در خیابانها و در خانه هایی که اکثراً بر روی مردم امروز ۱۳ آبان یکی دیگر از روزهای تاریخی جنبش انقلابی مردم است. انبوه جمعیت در تهران و شیraz و رشت و مشهد و اصفهان و اهواز و تبریز و اراک و یاسوج و تفرش و بربخی دیگر از شهرها به خیابان آمدند تا



Photo: Farhad Rajabali ©news.gooya.com

باز است قابل توصیف نیست. فضا	گام دیگری جمهوری اسلامی را به
یکپارچه شور و اعتراض است.	سرنگونی نزدیک تر کنند. ایستادگی
در زیر برخی گزارشات را که تا	و مقاومت مردم علیرغم وحشیگری
این لحظه به حزب رسیده است	نیروهای رژیم ستودنی است. بدنبال
میخوانید:	جند هفته اعتراض بی امان در

دده سحر - تهران

شوارهای امروز بسیار رادیکال تر و  
فضا بسیار رزم‌مند تر از همیشه  
است. امروز یکی دیگر از مناسبت  
های رژیم است که با مبارزه مردم  
ازاده و انقلابی علیه خودش تدبیل  
میشود و میخ دیگری بر تابوت  
حکومت ننگین اسلامی کوییده  
میشود. علیرغم تهدیدات مکرر  
مقامات رژیم و فرماندهان جنایتکار  
اسلام، علیرغم بسیج هزاران نفر از  
اویاش حکومت و انواع نیروهای  
سرکوب حضور مردم در خیابانها  
گستردۀ و عظیم است. فیلم ها و  
تصاویری که لحظه به لحظه از ایران  
میرسد و گزارشاتی که از نقاط  
مختلف مخابره میشود رواییه  
مصمم و شجاعانه مردم را به خوبی  
نمایان میکند. این یک انقلاب عظیم  
است که جلو میرود و هرروز رادیکال  
تر و رادیکال تر میشود. انقلابی که  
تا همینجا حکومت اسلام را به زانو  
درآورده و به بن بست کشانده است.  
مقامات حکومت علیرغم تهدیدات  
بی وقنه و دستگیری و زندانی کردن  
مردم، به التمام افتداده اند، به هر  
دری میزندند نتیجه عکس میگیرند.  
اقدامات سرکوبگرانه خشم مردم را و  
التماس های آنها شجاعت و  
امیدواری مردم را بیشتر میکند.  
مردم مصممند که این رژیم را به گور  
بسپارند و قصد کوتاه‌آمدن ندارند.  
طبق گزارشات مختلف صدها



زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
حزب کمونیست کارکری ایران  
۱۳ آبان ۱۳۸۸، ۴ نوامبر ۲۰۰۹  
آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
شد.

جمع‌کنندگان در حال جنگ و گزین شعار مرگ بر دیکتاتور میدادند. ماشین‌ها همه بوق میزدند. نگذاشتند تجمع شود. ساعت‌های دنیم در محلاتی از شهر تجمع بود و مردم علیه تراز روزهای قبل شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه‌ای میدادند. حزب الله‌ی ها می‌گفتند مرگ بر امریکا مردم جواب میدادند مرگ بر دیکتاتور، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر احمدی نژاد.

#### مشهد:

در مشهد نیز مردم بیرون آمدند اما فشار نیروهای سرباز بسیار زیاد بود. برای شب مردم قرار تجمع گذاشتند. شب قبل نیز اجتماع بزرگ اعتراضی در مشهد بريا

## مردم پا خاسته ...

از صفحه ۱۱

اسلامی در اهواز در داشگاه چمران تجمع بزرگی برپا شد. سرکوبگران حمله کردند و بچه‌ها را راپاکنده کردند. از جمله شعارهای داشجوبیان در اهواز مرگ بر دیکتاتور، آزادی اندیشه با ریش و پشم نیشه، مرگ بر قانون اساسی جمهوری اسلامی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، ترسید ترسید ما همه با هم هستیم.

#### تبیزی:

امروز در شیراز مردم وسیعاً بیرون آمدند. مسیرهای متنهای به داشگاه را از همه طرف بسته بودند. جلوی داشگاه تعدادی تجمع کردن که حمله شد و پراکنده شدند.

## مرگ جمهوری اسلامی و ...

از صفحه ۳

خواهد داد. دستجات مختلف توطئه طیفهای به اصطلاح لیبرال که خود را جمهوری خواهان و ملی گراهای رنگارانگ مینامند نیز هر روز سازی طبقه کارگر کش زمنده و تا حد زیادی آگاه است. اکثریت مردم محروم که بخش‌های مختلف این طبقه را تشکیل میدهند مثل پرستاران و معلمان و بخش‌های زحم‌تکش شهری می‌دانند که چه نمی‌خواهند و توافقشان از زندگی بهیج وجه رفتند. نیز بیوگی دیکتاتوری دیگر سرمایه داری نیست. داشجوبیان اکثرا رادیکال و آزادی‌خواه و آگاهند. همه اینها یعنی آلترناتیو چپ و سوسیالیستی شانس بسیاری دارد که در متن این اوضاع جلو کشیده شود و خود را در رأس جامعه قرار دهد.

این نه فقط یک امکان و شانس برای بخش چپ و سوسیالیست جامعه بلکه یک انتظار مشخص اجتماعی از چپ است. قطعاً این روند ساده و خطی ای نیست. اما امروز هر کس که ذره ای احساس اعلقی به طبقه کارگر و کمونیسم را در خود سراغ دارد باید از این وضعیت به شفعت بیاید، خود را فعال عرصه پیش روی آلترناتیو سوسیالیستی بییند و در این جهت کام بردارد. آلترناتیو و نقطه مقابل یک حکومت مختنق و مذهبی و چپ‌اولگر، تنها یک حکومت سوسیالیستی است و تنها این آلترناتیو میتواند پاسخگوی خواستها و آرزوهای میلیونی مردم در این جامعه باشد. عملی شدن این آلترناتیو امروز کاملاً امکان پذیر است. باید با اعتماد نفس کامل به این نیاز سوزان اجتماعی که جلوی کمونیستها گذاشته شده است پاسخ داد. تلاش ما بعنوان بخش تعزیز یافته و با برنامه و منسجم کمونیستی پاسخ داده به همین انتظار و همین فرصت تاریخی برای هیچکس ساده نیست که بتواند

## آلترناتیو چپ تها آلت ناقیو ممکن

اواعض کنونی جامعه ایران هر روز دارد این را تأکید می‌کند که جمهوری اسلامی رفتی است و با هیچ معجزه ای نیتوان آنرا نجات داد. اما این فقط جمهوری اسلامی نیست که رفتی است، جامعه ایران در التهاب خواستهای می‌سوزد که خواستهای طبقه کارگر و بخش چپ و سوسیالیست جامعه است. آزادی و برابری و پایان دادن به فقر و فلاکت و سرکوب و تحقیر و توهین و تبعیض، که به زبانهای مختلف دارد بطور سرگونی می‌شود، امروز تنها با پایان دادن به کل نظام سرمایه داری و حاکیت اقلیت مفتخر سرمایه دار امکان پذیر است. کشدار شدن دوره سرنگونی جمهوری اسلامی یکی از خواصی که داشته این بوده است که به رشد آگاهی و تشکل و دخالتگری بخش‌های پایینی جامعه کمک کرده است. جالب است که این جریان که همیشه به سرنگونی طلبیش می‌باشد به مجلس خبرگان نامه مینویسد و می‌گوید منتظری را می‌نویشند. این حکومت دارد با اقلاب سرگونی می‌شود. حتی می‌توان به عنوان ولی فقیه انتخاب کنید! (آخر اگر شما سرنگونی طلبید چکار دارید

اصلاحات ما تلاشمان این بود که مردم به خیابان نیایند چون نگران بودیم که کنترل از دستمنان بیرون برود او بعد به همراهانش دلاری میدهد که امروز نگران رادیکالیسم جامعه نباشند و این مردم از نظر او "به فرهنگ بالاتری" دست پیدا کرده اند و وقتی هم دو سه میلیونی بیرون می‌آیند با "آرامش" راه‌پیمایی می‌کنند. محسن آزمین از یک واقعیت جدی که ما در دوره خاتمی بارها افشا کرده بودیم که اینها از مردم بیش از خامنه‌ای وحشت دارند، پرده بر میدارند و به آن اعتراف می‌کنند. و دلخوشی دادن امروز به همزمانش هم آشکارا از سر ناچاری است. مردمی که شعار "حکومت اسلامی نمیخواهیم" و مرگ بر دیکتاتور زندانی سیاسی آزاد باید گردد را سر میدهند کجاشان آرام است؟ مگر در دوره خاتمی اگر بیرون می‌آمدند چه میکردند که دوم خردادیها به اعتراض آزمین نگران آن بوده اند؟ او میداند که آن دوره و این دوره از همین نوع تظاهراتها به شدت وحشت داشتند چون میدانستند و میدانند که کنترل از دستشان بیرون می‌برند و اکنون میفهمند که بیرون رفته است. اما بالاخره باید به شکلی خودرا دلخوش سازند.

## بحran سیاسی کل طبقه سرمایه دار

سرنوشت اپوزیسیون درون رژیمی و کل حکومت اسلامی در واقعه سرنوشت حاکمیت طبقه سرمایه دار در ایران را بیان می‌کند. این طبقه و استراتژیها و قدرت‌های بین‌الملیشی در مقابل اوضاع ایران به یک‌جی کامل دچار شده اند. یک در میان پشت